



سعید وزیر  
عکس‌ها: عباس جعفری

# از اورمز در روز تا رامروز

فلسفه و پیدایش نوروز موضوع یادداشت سعید وزیر پژوهشگر ادب و فرهنگ فارسی است. آقای وزیر متولد ۱۳۱۸ است که از سال ۱۳۳۸-۱۳۷۳ به مدت ۳۵ سال در مقاطع راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه تدریس کرده است. وی بیش از ۱۵۰ مقاله و ۲۷ کتاب در زمینه تاریخ، اسطوره شناسی و ادبیات داستانی انتشار داده و در حال حاضر عضو هیات علمی پژوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد و نماینده پژوهشگاه مطالعات آموزش و پژوهش در ستاد بزرگداشت مولانا است.

روشنی می‌بخشد نه از آن گونه شادی‌های زودگذر که دژکامی و دژخیمی را در خود دارد. کوتاه سخن این که جشن آن شادی، بی‌بند و باری نیست که به نیاز تن و خواهش دل و گناه و ورن کامگی و پلشتی پاسخ دهد. جشن نیایش و سپاس از داده‌های خداوند است. جشن سپاس از تندرستی و بهره‌وری از دانش و خردی است که خداوند جان و خرد بر ما ارزانی داشته است این واژه که از ریشه‌ی واژه‌ی اوستایی «یوا» «یستا» و واژه‌ی سانسکریت یجنه و یچ گرفته شده است به معنی ستایش است. پس جشن ستایش و پرستش است. پس هیچ جشنی نباید جدا از آئین، دین و زندگی به کام مردم و باورهای نیک و آموزنده آنان باشد. جشن نوروز نیز چه در زمان باستان و چه پس از اسلام این

درباره پیدایش نوروز سخن بسیار گفته‌اند آن چه در این جستار می‌آید نتیجه پژوهش و داوری دل‌بستگان به تاریخ، اسطوره، آیین‌ها و جشن‌های ملی ایرانیان است. بنابراین جا دارد پیش از ورود به کنای این جستار، به این سخن فرزانه توس خستو شوم که:

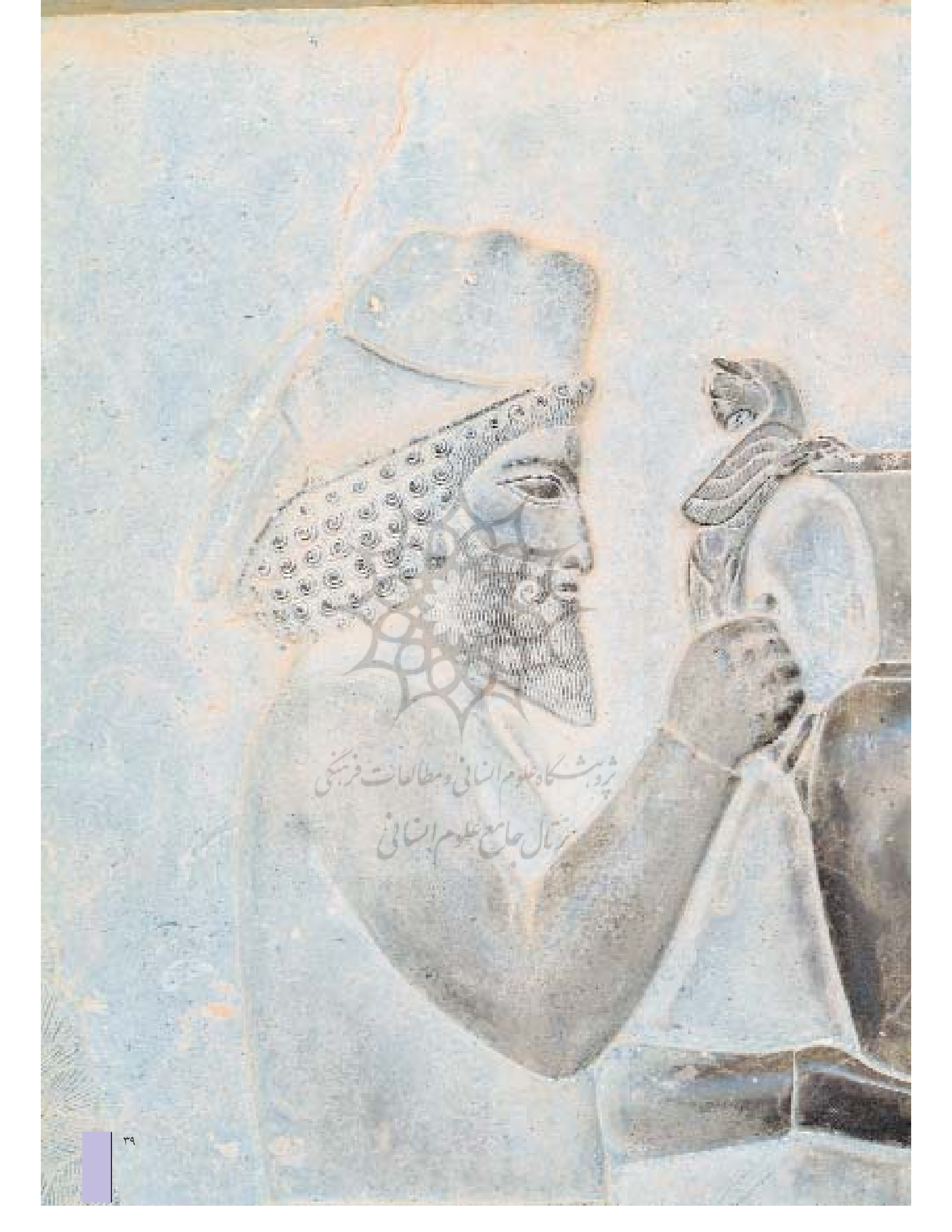
سخن گفته شد گفتنی هم نماند

من از گفته خواهم سخن

با تو راند

## فردوسی

در میان جشن‌هایی که از دیرباز در ایران رواج داشته است جشن نوروز جایگاه ویژه‌ای دارد. جشن در اندیشه ایرانیان باستان از آن گونه شادی‌هایی است که روان را از تابش مهر و مهربانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

**نخستین روز ماه را روز اورمزد نام نهاد پس نام اورمزد آغاز نخستین روز سال و آغاز هر ماه از سال است زیرا سال با نام خدا آغاز می شود و هر ماه نیز با نام خدا شکل می گیرد**

ویژگی را داشته است پی بردن به فرزندان این جشن کهن ایرانی نیاز به پژوهش ژرف و گسترده ای دارد.

به باور مهرداد بهار: از هزاره سوم پ-م در آسیای غربی دو عید رواج داشته است. عید آفرینش که در اوایل پاییز و عید باز زایی که در آغاز بهار برگزار می شده است. این دو عید باستانی حتی تا اواسط هزاره نخست پ-م در آسیای غربی وجود داشته است در واقع قدمت هر دو عید در این نقطه نشان داده است که در ایران نیز نوروز عید بهاری و مهرگان عید پاییزی بوده است.

برخی از پژوهندگان بر این باورند که نوروز در میان رودان (بین النهرین) به وجود آمده و از آنجا به ایران آمده است:

بهار بر این باور است که عید نوروز در آغاز بهار بوده اما این عید در بین النهرین هم سابقه دارد. ایرانیان این عید را از بین النهرین وام نگرفته اند. پیش از هر چیز باید گفت: نوروز جشن همگانی این منطقه بوده است. این جشن یکی از سنت های کهن فلات ایران است که از طریق کوچ نشین های بومی نجد ایران به بین النهرین رفته است. این که در حدود هزاره پنجم پیش از میلاد آیین نوروزی در بین النهرین (جلگه بین دجله و فرات) وجود داشته است چون ما به کولت (آیین) دو ایزد زن و مرد از هزاره سوم آگاهی داریم و این نشان می دهد که آیین مزبور مربوط به ایزد شهیدشونده و همسرش بوده است. علاقه مندانی به شناسایی این دو ایزد می توانند به افسانه ایاناو دموزی مراجعه کنند. بنابراین می توان به احتمال گفت که عید نوروز و آیین آن پیش از ورود آریایی ها به فلات ایران در میان بومیان نجد ایران رواج داشته است. با این حساب آیین نوروزی قرن ها پیش از ظهور آیین زردشت و رواج مهرپرستی در میان مردم ایران از جایگاهی ارزش مند برخوردار بوده است و هیچ گونه صبغه دینی نداشته است. در کتاب اوستا هیچ یادی از نوروز نشده است درباره مهرگان هم در این کتاب دینی یادی نشده است؛ اما پس از ظهور زردشت و رواج به دینی به گونه ای میان کیومرث و آغاز آفرینش جهان رابطه ایجاد شد و کیومرث به عنوان نخستین آفریده اهورامزدا که در اولین روز سال خلق شده بود توانست سهمی در پیدایش نوروز داشته باشد. به باور به دینان: اهورامزدا جهان هستی را در شش دوره آفرید این شش دوره یک سال شمسی است. آغاز آفرینش نخستین روز از ماه فروردین بود و پایان آن آخرین روز از ماه اسفند. در آغاز آسمان را آفرید سپس آب را، سه دیگر زمین را، در چهارمین دوره گیاه را، در پنجمین دوره چارپایان را آفرید و در دوره ششم کیومرث را آفرید که نخستین انسان بود. آفرینش کیومرث هفتاد روز به درازا کشید. رام روز از ماه دی تا ارت روز از ماه اسفند (۲۱ دی ماه تا ۲۵ اسفند) آن گاه ۵ روز درنگ کرد. سال به پایان رسید آفرینش پایان یافت و انسان نخستین با دمیدن نخستین روز از سال نو زندگی را آغاز کرد. اما در کتاب گران قدر شاهنامه کیومرث نخستین پادشاه است و آغاز تسلط اش بر جهان روز اول فروردین ماه است.

چو آمد به برج حمل آفتاب جهان گشت با فر و آیین و آب بتابید از آن سان زبرج بره که گیتی جوان گشت از آن یک سره کیومرث شد بر جهان کدخدای نخستین به کوه اندرون کرد جای کیومرث یا گیاه مرتن (زنده میرا) در اندیشه ایرانیان به دین، نخستین انسان است همچنان که در باور ایرانیان مسلمان و سایر مسلمانان حضرت آدم نخستین آفریده ی آفریدگار هستی است. با این که فرزانه توس جهان کدخدایی کیومرث را در روز نخست فروردین ماه می داند اما گزیدن چنین روزی را به عنوان جشن نوروز از جمشیدی می داند:

سر سال نو همز فروردین بر آسوده از رنج روی زمین بزرگان به شادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند چنین جشن فرخ از آن روزگار بجامانده از خسروان یادگار آن چه از بیت های فوق برمی آید این است که روز اورمزد از ماه

فروردین را که آغاز سال نو است جشن گرفتند ابوریحان بیرونی درباره نوروز می نویسد که: "نخستین روز است از فروردین و از این جهت روز نو نام گرفته که پیشانی سال نو است." به باور ایرانیان باستان، خداوند جهان را از نخستین روز فروردین ماه آغاز کرد و نخستین روز ماه را روز اورمزد نام نهاد پس نام اورمزد آغاز نخستین روز سال و آغاز هر ماه از سال است زیرا سال با نام خدا آغاز می شود و هر ماه نیز با نام خدا شکل می گیرد. بدیهی ست که ایرانیان به دین با این نام گذاری ها به این روزهای جشن، رنگ دینی زده اند. از بررسی های انجام شده به این نتیجه می رسیم که نوروز در زمان هخامنشیان رواج داشته است اما جشن مهرگان پیش از نوروز مورد قبول اشکانیان واقع می شود اما همچنان جشن سده به فراموشی سپرده می شود، در دوره ساسانیان که پیوندی عمیق میان شاهان و موبدان به وجود می آید عید نوروز شکل مذهبی به خود می گیرد و شاید همین توجه است که مسلمانان جشن نوروز و عیدهایی مانند مهرگان و سده را نیز آیین های مذهبی می دانستند و به همین جهت بود که خلفای اسلامی به نوروز توجهی نداشتند و حتی هدیه هایی را که به وسیله ایرانیان به مناسبت نوروز دریافت می کردند گونه ای گزیت (جزیه) می دانستند اما بعضی از خلفای اموی برای اینکه درآمد بیشتری داشته باشند نوروز را رواج دادند و کم کم کار به ستم کشید. نخستین کسی که به این کار دست زد حجاج بن یوسف ثقفی بود، نخستین کسی که این ستم را برداشت عمرو بن عبدالعزیز بود. اما پس از آنکه ایرانیان در دربار خلفا دارای نفوذ و قدرت شدند رسم های بسیاری از جمله نوروز و مهرگان را رواج دادند. به طور کلی هیچ گاه نوروز در میان ایرانیان فراموش نشد جالب توجه اینکه از سوی بزرگان دین و اندیشمندان اسلامی نیز با این آیین هیچ گاه مخالفتی نشده است. چنانکه در رساله ای از ملامحسن فیض کاشانی می خوانیم که: معلی بن خنیس در روز عید نوروز به خدمت امام جعفر صادق (ع) می رسد امام از او می پرسد امروز چه روزی است؟ وی پاسخ می دهد که روزی است که نزد عجمان بزرگ است آنگاه امام در ارزش نوروز سخنانی می گوید که فشرده اش چنین است:

۱- نوروز روزی است که خداوند از روان بندگان پیمان می گیرد که او را بندگی کنند و از شرک دوری کنند و به فرستاده خدا و ائمه هدی حرمت گذارند.

۲- نوروز نخستین روزی است که آفتاب طلوع کرده و بادی که درختان را بارور می سازد وزیده است و خرمی زمین آفریده شده است.

۳- روزی است که کشتی حضرت نوح به زمین می نشیند.

۴- روزی است که وحی به وسیله جبرائیل به حضرت ختمی مرتبت نازل می شود.

۵- روزی است که پیامبر اسلام بت را می شکند

۶- روزی است که ابراهیم بت شکنی را آغاز می کند.

۷- روزی است که پیامبر در غدیر خم حضرت علی را به جانشینی خود برمی گزیند.

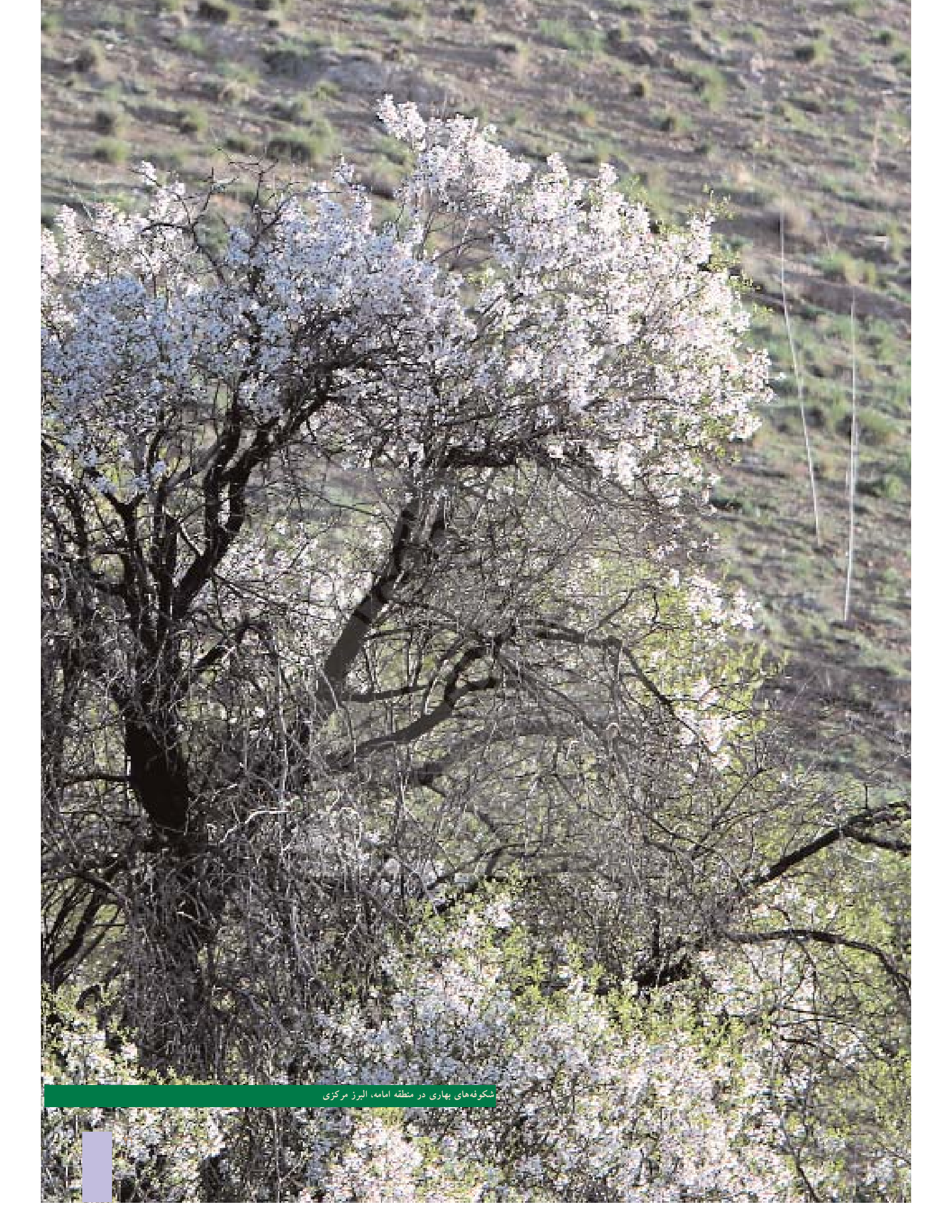
۸- روزی است که حضرت علی در جنگ نهروان پیروز می شود.

۹- روزی است که مهدی موعود ظهور خواهد کرد.

خیام درباره نام نوروز در کتاب نوروزنامه می نویسد که: "سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند آفتاب را دو دور بود یکی آن که بر ۳۶۵ روز و ربعی از شبانه روز به اول دقیقه حمل باز آید به همان وقت و روز که رفته بود بدین دقیقه نتواند آمدن، چه هر سال از مدت کم می شود و چون جمشید آن روز را دریافت نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند."

درباره نوروز بسیار گفته شده است ولی آنچه امروز درباره نوروز

**کیومرث یا گیاه مرتن (زنده میرا) در اندیشه ایرانیان به دین، نخستین انسان است همچنان که در باور ایرانیان مسلمان و سایر مسلمانان حضرت آدم نخستین آفریده ی آفریدگار هستی است**



شکوفه‌های بهاری در منطقه امام، البرز مرکزی

**آتش در دید ایرانیان پدیده روشنی، پاکی، شادابی، زندگی و تندرستی و در پایان پدیده خداوند است. بیماری‌ها، زشتی‌ها، بدی‌ها و همه گرفتاری‌ها در پهنه تاریکی جای دارند از همین روست که اهریمن پدیده تاریکی و زشتی یا تیرگی پدیده جلوه‌گاه اهریمن است**

می دانیم آیین‌هایی است که رواج دارد اما پرسش این است که این آیین‌ها چگونه به وجود آمده‌اند؟ چه پیامی را با خود دارند؟ اگر چه در حال حاضر نوروز با روز اول سال آغاز می‌شود و با آیین سیزده‌به‌در به پایان می‌رسد ولی پژوهش درباره مراسم نوروزی، و آیین‌هایی که با کمی تغییر و با افزودن کاستی‌هایی در گوشه گوشه کشورمان برگزار می‌گردد نشان می‌دهد که ایرانیان از ده روز پیش از نوروز تا آغاز سال نو آیین‌هایی داشته‌اند که به گونه‌ای با جشن فروردگان مربوط می‌شود و از آغاز فروردین تا ۲۲ فروردین نیز به مناسبت‌هایی آیین‌هایی داشته‌اند بنابراین آیین‌های نوروزی در حدود یک ماه بوده است برای اینکه بیشتر با این آیین‌ها آشنا شویم نخست به معرفی آیین‌هایی می‌پردازیم که شناخته‌ترین آن‌ها مراسم جشن شب چهارشنبه سوری است. مراسم دیگری مانند: میر نوروزی، حاجی فیروز، فال گوش، شال انداختن، فال کوزه گرفتن، نوروز سلطان.

### شب چهارشنبه سوری

اگر چه جشن سوری از سده‌ها پیش از اسلام در ایران معمول بوده است اما تبدیل این جشن به چهارشنبه سوری مربوط به پس از ظهور اسلام است زیرا ایرانیان تا پیش از قبول دین اسلام برای گاه‌شماری روز و ماه از شنبه تا یک‌شنبه استفاده نمی‌کردند بلکه برای هر روز از ماه نامی داشتند اما پس از اسلام چون نیاز داشتند تا در آیین نماز جمعه شرکت کنند لذا برای شمارش روزها از سال، ماه، هفته استفاده کردند و واژه شنبه را که از واژه شب‌ات عبری بود به عنوان آغاز هفته برگزیدند. درباره رواج جشن سوری در سده‌های سوم، چهارم هجری در تاریخ بخارا تالیف ابو جعفر نرشنخی می‌خوانیم که: چون امیر سدید منصورین نوح به ملک بنشست اندر ماه شوال سال ۳۵۰ هـ ق به جوی مولیان فرمود تا آن سرای‌ها را دیگر بار عمارت کردند و هر چه هلاک و ضایع شده بود بهتر از آن به حاصل آوردند آنگاه امیر سدید به سرای نشست و هنوز سال تمام نشده بود که چون شب سوری چنانکه عادت قدیم است آتشی عظیم افراختند.

اکنون این پرسش مطرح است که چرا جشن شب سوری تبدیل به چهارشنبه سوری شد؟ پاسخ را باید در این دانست که عرب‌ها چهارشنبه را نحس می‌دانستند از این روی شب چهارشنبه آخر سال را جشن سوری دانسته و به شادمانی پرداختند بدین وسیله می‌خواستند نحسی آن را از بین ببرند.

منوچهری دامغانی در نحوست چهارشنبه می‌گوید:

چهارشنبه که روز بلاست باده بخور به ساتکینی می‌خور تا به عافیت گذرد.

حافظ در کتاب المحاسن و الاضداد آورده است و الاربعاء یوم منک و نحس بر این اشاره‌ای است به چهارشنبه یا یوم الاربعاء نزد عرب‌ها که آن را نحس و نامبارک می‌دانستند.

آتش در دید ایرانیان پدیده روشنی، پاکی، شادابی، زندگی و تندرستی و در پایان پدیده خداوند است. بیماری‌ها، زشتی‌ها، بدی‌ها و همه گرفتاری‌ها در پهنه تاریکی جای دارند از همین روست که اهریمن پدیده تاریکی و زشتی یا تیرگی پدیده جلوه‌گاه اهریمن است. پس فروختن آتش را، یافتن روشنی، شناخت در دل و روح است که نشانه اهریمنی و نحسی و نامبارکی را از میان برمی‌دارد از این رو جشن سوری پایان سال را به شب واپسین چهارشنبه سال جابه‌جا کردند تا با پدیده آمدن سال نو، خوش و خرم و شادکام گردند.

پریدن از روی آتش مربوط به بعد از اسلام است. پور داوود در این باره می‌نویسد که در شب چهارشنبه سوری از روی شعله آتش پریدن و ناسزایی چون: "سرخ تو از من، زردی من از تو گفتن" از روزگاران است که دیگر ایرانیان مانند نیاکان خود آتش را فروغ ایزدی

نمی‌دانستند چنانکه در آتش افروزی جشن سده که به گفته برخی از پیشینیان، پرندگان و چارپایان را به قیر و نفت اندوده و آتش می‌زدند از کارهای روزگار پس از اسلام است

اکنون پرسش دیگر این است که انگیزه جشن یا جشن سوری چه بوده است و دیگر اینکه سوری به چه معنی است زیرا امروز روز وقتی واژه سور به زبان می‌آید بیشتر شادمانی همراه با خوردن و شکم با رگی است.

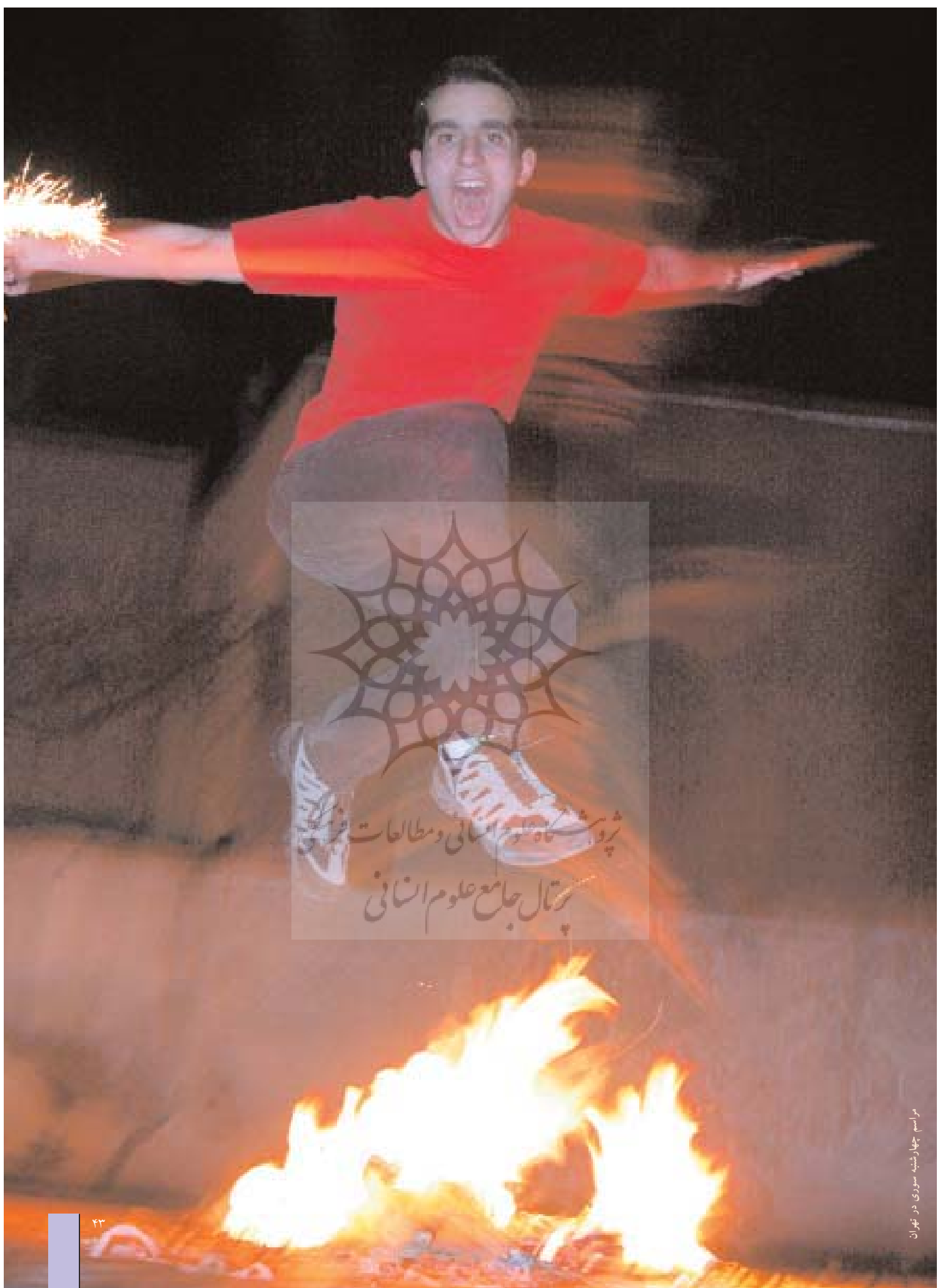
هاشم رضی در این باره می‌گوید که: "جشن و آتش افروزی برای جشن فروردگان است. برابر عقیده وی: فروهرها به مدت ده شبانه روز از جایگاه اصلی خود در آسمان به شهر و دیار و خان و مان فرود آمده و در میان بازماندگان خود زندگی می‌کنند تا پیش از روز بیست و پنجم اسفند ماه و در شب آن فروهرها یا روان در گذشتگان فرود می‌آیند مردم که با باریک بینی به رفت و روب و تمیز کردن خانه و زندگی می‌پردازند به گرمابه رفته و شست و شو می‌کنند: پوشاک نو برتن کرده و در اتاق‌ها به ویژه اتاق درگذشتگان خانه، نقل و نبات و شیرینی و میوه و گل و سبزی و کتاب مقدس و شمع روشن و چوب‌های خوش بو در سفره می‌نهند. کدورت‌ها و کینه‌ها را برکنار زده و به سازش و آشتی بدل می‌کنند به آن امید که فروهرهای فرود آمده شاد باشند و خوشنود از بازماندگان به دعا و برکت دانشان بپردازند.

اما واژه سوری در زمان ساسانیان، سوریک بوده است چون سور به معنی سرخ و ایک پسوند صفت است به معنی سرخ رنگ، چنان که گل سوری به معنی گل سرخ است و از این رو این جشن را سوری گویند که نماد اصلی این آیین افروختن آتش سرخ رنگ است در گذشته آیین سوری در ۵ روز آخر سال برگزار می‌شده است این ۵ روز که هر چهارسال ۶ روز می‌شده است روزهایی بوده است که در اصطلاح بهار: پنج روز آخر سال درست است که آخر سال است اما معرف آشوب نخستین جهان بیش از نظم و آفرینش است در ایام پنجه مراسم ارجحی رواج داشته و مراسم دیگر در قدیم گاه پنجه به آبان یا آذر می‌افتاد."

آیین‌هایی که در این پنج روز رایج بوده است که برخی از این مراسم‌ها هنوز هم در گوشه و کنار کشور برگزار می‌شود عبارتند از: ۱- فال کوزه و فالگوش ایستادن ۲- شال انداختن ۳- قاشق زنی ۴- میرنوروزی ۵- رفتن به گورستان‌ها و نذری برای مردگان دادن این رسم در میان مسلمانان به جمعه آخر سال یا شب آخر سال تغییر نام یافت که مسلمانان به گورستان می‌روند و شب برات است. نذری می‌دهند و خیرات می‌کنند. خلاصه اینکه چون در گذشته ایرانیان سال را به ۳۶۰ روز و ۱۲ ماه تقسیم می‌کردند لذا پس از سی ام اسفندماه پنج روز باقی می‌ماند این پنج روز را آیین‌هایی داشتند که مربوط به فروهرها بود و از سویی این روزها بی‌نظم و قانون بود شاید به همین علت بود که ۵ روز آخر سال شاه از کار برکنار می‌شد و کسی را که گمنام بود می‌آوردند و به مدت ۵ روز فرمانروایی می‌کرد که به آن میرنوروزی می‌گفتند مراسم میر نوروزی تا سال ۱۳۱۱ در کردستان برگزار می‌شد حافظ در غزلی به حکومت پنج روزه میر نوروزی اشاره دارد که:

سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آید

که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی بنابراین در جشن فروردگان که بیش از آغاز سال نو (نوروز) برگزار می‌شد ایرانیان برای روان درگذشتگان و شادی آنان آیین‌هایی را برگزار می‌کردند این جشن از ۲۵ اسفندماه آغاز می‌شود و با ۵ روز پایان سال یکی می‌شود اما آیین‌های اجرایی در ۵ روز آخر سال بود که شناخته‌ترین آن جشن سوری بود، دیدار از مزار درگذشتگان، آتش افروختن بر روی بام‌های خانه‌ها، فراهم آوردن آجیل مشکل گشا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

در بین بسیاری از ایل‌ها به ویژه در آذربایجان، کردستان آیین جشن سوری از نوروز باشکوه‌تر است چنانکه: مردم ایل خلیکانلو در آذربایجان غربی شب نخست اسفند را عید خضر نبی می‌نامند. پیدایش این عید برای پایان زمستانی است که باور دارند از مردن جانوران خانگی جلوگیری می‌شود

(لرک) که همان هفت مغز زرتشتیان است. در باور ایرانیان باستان آجیل مشکل‌گشا عبارت از هفت میوه خشک است مانند: پسته، بادام، سنجد، کشمش، گردو، برگه هلو، انجیر، خرما که به عنوان نذر و پیشکش به مردگان (به عنوان خیرات) بین مردم بخش می‌کردند. برای شناخت این آیین‌ها و شیوه برگزاری آن‌ها در شهرها و روستاهای ایران نیاز به تحقیق و پژوهشی میدانی است. جالب اینکه در بین بسیاری از ایل‌ها به ویژه در آذربایجان، کردستان آیین جشن سوری از نوروز باشکوه‌تر است چنانکه: مردم ایل خلیکانلو در آذربایجان غربی شب نخست اسفند را عید خضر نبی می‌نامند. پیدایش این عید برای پایان زمستانی است که باور دارند از مردن جانوران خانگی جلوگیری می‌شود. در این شب دوشیزگان و بانوان و جوانان روستا به رقصیدن با چوب سرگرم و در هر روستا یک تن خود را به گونه‌ای شگفت‌آور آراسته چون حاجی فیروز عید نوروز در رقص، پایکوبی شرکت می‌کند.

کردها در پایان واپسین روز اسفندماه یعنی در هنگام فرو نشستن خورشید خود را آماده افروختن آتش می‌کنند و فرا رسیدن بهار را پذیرا می‌گردند در بالای بام‌ها و فراز کوه‌ها آتش نوروز را با شکوهی هرچه بیشتر می‌افروزند. در این میان کردهای پارسان (اهل حق) جشن نوروز را جشن سلطان "سحاک" می‌نامند؛ و پیش از فرا رسیدن جشن: نسک عدس و گندم را در آوندهایی می‌ریزند تا سبز شود. بنابراین با سبزه و سفره هفت سین یا هفت چین به پیشواز نوروز می‌روند. اما مراسم نوروز، نخستین روز از ماه فروردین اورمزد نام دارد این اولین روز نوروز است. نوزدهمین روز از فروردین ماه فروردین روز است که پایان روزهای عید است: همانگونه که پیش از آغاز سال نو، جشن فروردگان است از روز نوزدهم تا بیست و یکم فروردین ماه یعنی روز فروردین، روز بهرام، روز رام، جشن فروردگان است و روز بیست و یکم (رام روز) پایان مراسم نوروز است. در زمان گذشته این ۲۱ روز را به ۷ دوره به شرح زیر تقسیم می‌کردند:

۱- از اول تا سوم فروردین ماه برای دید و بازدید خویشاوندان و بزرگان خانواده

۲- از سوم تا ششم فروردین ماه بازدید و برگزاری جشن ریتون  
۳- از ششم تا نهم فروردین ماه جشن خردادگان  
۴- از نهم تا سیزدهم فروردین ماه بار عام شاهی برای مردم  
۵- از سیزدهم نوروز تا نوزدهم فروردین ماه: گردش در باغ‌ها، بستان‌ها همراه با شادمانی

۶- از نوزدهم تا ۲۱ فروردین ماه برگزاری جشن فروردگان  
۷- روز بیست و یکم فروردین ماه روز پایان جشن‌های نوروزی  
از این جشن‌ها و مراسم تنها سیزدهم نوروز است که با عنوان سیزده بدر همچنان طرفداران خود را دارد اما این پرسش همیشه مطرح است که چرا سیزده نحس است؟ علت نحوست عدد سیزده چیست؟ مهرداد بهار در یکی از مصاحبه‌های خود می‌گوید:

«شب عید دوباره خدا در نظر آنان زنده می‌شد و ارواح باز می‌گشتند پس از دوازده روز جشن می‌گرفتند و به شادی و پایکوبی می‌پرداختند. سراسر دوازده ماه سال هر روز معرف یک ماه سال بود. آب‌سالان جشنی بوده که در سالی پرباران برگزار می‌شد چون باران برکت بخش بود. خمسه مسترقه برابر باروز سیزدهم است در خمسه مسترقه معمولاً آشوب ازلی را مجسم می‌کردند به این مفهوم که نظم و قانون در این پنج روز وجود ندارد و در پی آن ۱۲ روز می‌آید که

دوازده ماه سال است»

وی در پاسخ این پرسش که چرا سیزده نحس است می‌گوید: چون سیزده معرف آشوب ازلی پیش از آفرینش است هر نوع آشوب پیش از نظم گرفتن نحس محسوب می‌شود و بی‌نظم به شمار می‌آمده. دنیا پس از برقراری نظم مقدس می‌شود. پنج روز خمسه مقدس نیست پس سیزده به در هم مقدس نیست. "در همین گفت و شنود می‌گوید که: "معمولاً مراسم ارجی در روزهایی است که معرف آشوب ازلی است مثلاً در ایران مراسم خمسه مسترقه را به صورت میر نوروزی داریم که پنج روز دزدی حاکم می‌شود و در گوش فرمانروای زنده این به نحوی آشوب و بی‌نظمی محسوب می‌شده یکی از کیفیات عمومی این روزهای آشوبی: آیین ارجی است ولی دقیقاً متنی در این باره نیست. تنها می‌دانیم که مثلاً در دوره صفویه که زنان همه جاجادر به سر می‌کردند در روز سیزده نوروز بی‌روند و جادر به خیابان می‌آمدند."

اما آنچه قابل توجه است این که عدد سیزده در فرهنگ و ادب ایران عددی نحس یا اهریمنی نیست و درباره نحسی عدد سیزده هیچ متن مکتوبی در دست نداریم اما اگر بگوییم عدد سیزده برای ایرانیان عدد مقدسی بوده، می‌تواند دلیل‌هایی ارائه کرد.

نخست اینکه در گاه‌شماری ایرانیان روز سیزدهم هر ماهی تیروز نام دارد و هرگاه روز با ماه تقارن پیدا کند آن روز را جشن می‌گیرند. بنابراین روز تیر از ماه تیر (سیزدهم تیرماه) جشن تیرگاه را داریم. درباره این جشن ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه می‌نویسد:

«پس از آنکه افراسیاب به منوچهر غلبه کرد او را در طبرستان محاصره کرد بر این قرار دادند که حدود خاکی که از ایران باید به توران بر گزار گردد به واسطه پرش و خط سیر تیری معین شود در این هنگام امشاسپند اسفندارند (اسفند) حاضر گشته امر کرد تا تیر و کمانی چنان که در اوستا بیان شده است بر گزینند آن گاه آرش برهنه شد بدن خویش به حضار بنمود و گفت ای پادشاه و ای مردم به بدنم بنگرید مرا زخم و مرضی نیست ولی یقین دارم که پس از انداختن تیر، قطعه قطعه شده فدای شما خواهم گردید. پس از آنکه دست به چله کمان برد به قوت خداداد تیر از شست رها کرد و خود جان تسلیم کرد."

خداوند به باد امر کرد تا تیر را حفظ کند آن تیر از کوه رویان به اقصی نقطه مشرق به فرغانه رسید و به ریشه درخت گردکان که در دنیا بزرگ‌تر از آن درختی نبود نشست آن موضع را سرحد ایران و توران قرار دادند. گویند از آنجا که تیر پرتاب شد تا به جایی که فرو نشست شصت هزار فرسنگ فاصله است.

بنابراین علاوه بر همنام بودن روز و ماه جشن تیرگان را به مناسبت تیراندازی آرش و صلح ایران و توران نیز دانسته‌اند.

از سوی دیگر: در دوران ساسانیان ایرانیان سال را به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم می‌کردند و پنج روز آن را مراسمی می‌گرفتند اما ۶ ساعت مانده را رها می‌کردند تا پس از ۱۲۰ سال ایرانیان دارای یک سال ۱۳ ماهه می‌شدند این ماه را بیتک می‌گفتند: این ماه برای مردم ماهی بزرگ و با ارج بود سالی که گزیت «مالیات» مردم بخشیده می‌شد و بسیاری از مشکلات مردم رفع می‌گردید از این رو مردم برای یکدیگر آرزوی عمر ۱۲۰ ساله می‌کردند تا دست کم یک بار هم شده از بخشش‌های ماه سیزدهم سال بهره‌مند شوند: بنابراین ایرانیان عدد سیزده را عدد سرنوشت‌ساز، سازنده و به سود مردم و کشور می‌دانستند و از آن هیچ‌گونه نحسی نمی‌دیدند ناگفته نماند که سیزده عید نشان ۱۲ ماه سال و آن سال سیزده ماهه است. 